هفته نامه

نوید

(تکشماره ۵ ریال) (وابسته به حزب توده ایران) سال چهارم، شماره ۷۳، شنبه ۶ اسفند ۱۳۵۷

مسائل انقلاب ایران

نظری به پیام آقای مهندس بازرگان

روزچهارشنبه ۲۳ اسفندماه آقای مهندس بازرگان نخست وزیردولت موقت انقلابی پیامی خطاب به مردم ازمدا وسیمای ایران فرستادکه در آن باشیوه وبیانی خاص خویش بسیاری ازمسائل پیچیده انقلاب ایران را مطرح کرد.

این پیام ازبسیاری جهات قابل بررسی است: ازراه آن می توان به منی دولت موقت و نظریه نظرهای شخصی آقای مهندس بازرگان درباره انقلاب ایران پی بردوبرای برخوردآراء و قضاوت فرصتی یافت.

مادربررسی نظری به این پیام می اندازیم ودر مسائل اساسی آن ـ که درواقع مسائل انقلاب ایران است ـ نقطه نظر خودرابیان می داریم.

ازاینجاآغازکنیم که آقای مهندس بازرگان در سرتاسر پیام خویش ازمردم شکوه دارند که گاه لحن این شکوه نیز بسیارغضبنوشیش داراست. ایشان می گویند:

"می بینید! اینطوری است! می گویند انقلاب، انقلاب، انقلاب، یک انقلاب هم که می خواهیم بکنیم برمی خوریم به این مشکلات. مگرانقلاب رابایدبکنند دولت وملت نیابدانقلاب کنند؟"

بعضی ها، اقلیت هایی(؟؟) تصورمی کنند انقلابی بودوپیروزشدیم. خودشان را فاتحین می دانندکه واردیک سرزمین شدندپرازنعمت. فکرمی کنندکاری اصلا ندارندوبرزندراین غنائم وتقسیم بکنند وبدهم راحت بگیرندبخوابندوکیف بکنند.

نتیجه ای که نخست وزیردولت موقت انقلابی از این وضع می گیرداینست که:

"سه سه بار، نه بارغلط کردیم دیگر از ازاین غلط هانمی کنیم. دیگرما انقلاب نمی کنیم!!"

آیاواقعا این طوراست؟ آیاواقعا مردم از اقدامات "انقلابی" دولت حمایت نمی کنندوفقط دراین فکرندکه "برویزندسرغنائم وتقسیم بکنند و بدهم راحت بگیرندبخوابند؟" به نظرمانه! اگر بخواهیم باجملات خودآقای مهندس بازرگان صحبت کنیم بایدبگوئیم "آخردردنیایک قدری هم انصاف خوب چیزی است".

دولت موقت انقلابی ایران درآغازکارموردوسیع ترین پشتیبانی ممکن دردا خل وخارج کشورقرار گرفت. درتاریخ معاصرما هیچ دولتی به اندازه دولت موقت انقلابی موردپشتیبانی نبوده است. حتی دولت ملی دکترمصدق درآغازباچنین پشتیبانی واقبالی روبروشد. همه سازمان های ملی وانقلابی ایران بدون استثناء ـ شاید باشدت وضعف ـ ولی بدون استثناء حمایت خودرا ازدولت موقت اعلام کردند. حتی حزب توده ایران که برای اصلام حمایت ازدولت ها معیارها و ضوابط بسیاروزینی دارد، ازهمان نخستین روز پشتیبانی خودرا از همه اقدامات مترقی دولت موقت اعلام داشت و بدان عمل کرد. اقدام دولت برای اخراج مستشاران امریکایی، خروج ایران ازسنتو، کاهش خرید تسلیحات، اقدام دولت برای فروش مستقل نفت، اقدام دولت علیه خاندان ننگین پهلوی، فرا خواندن سربازان ایرانی ازعمان، حمایت از مبارزات خلق فلسطین، اعلام آزادی مطبوعات و بیان ـ باوجوداینکه بی نقص نیست ـ ونظایر اینها باتاشیدو استقبال مردم وهمه سازمان های انقلابی روبروشد.

پس شکوه نخست وزیرازچیست؟ به چه نوع پشتیبانی، درچه حدودودرچه زمینه ای نیازدارد؟ باکمی دقت درپیام نخست وزیرمی توان پاسخ این پرسش رایافت ومتوجه شدبسیاستی که آقای مهندس بازرگان مایل است اجراکنندآن سیاستی نیست که مردم خواستارندولذا باوجوداینکه مردم آماده اندازهمه اقدامات مترقی و انقلابی دولت حمایت کنندودرراه آن بکوشند، عملا شوروشوق پس ازپیروزی وجهش روحی دوران سازندگی راندارند، چراکه تصمیمات واهنگ وسمت حرکت دولت رامنطبق باحالات، عقل و احساس انقلابی خودنمی یابندوآقای مهندس بازرگان به جای تغییرسیاست دولت، آئینه می شکندوازمردم شکوه می کند.

صبروتدریج

یکی ازگله های اصلی نخست وزیردولت موقت این است که مردم صبرنمی کنند. می خواهندهمه کارها یک روزه حل شود:

هرکس درهرجای مملکت است می خواهدآنچه سابق زوربه این آدم گفتندحقش پایمال شده این به طرفة العین چون انقلاب شده درست بشود.

این مطلب راآقای بازرگان در مدت کوتاه نخست وزیری بارها و بارها تکرارکرده وکاررا به جایی رسانیده است که هم اکنون درمقابل شهران و شهرستان ها شعارهایی مخصوص رابردرودیوار می چسبانندکه "بایدبه آقای مهندی بازرگان فرصت داد".

به نظرما نسبت دادن بی صبری به مردم ایران وادعای این که آنان به حجم کارها ودشواری پیشرفت واقف نیستندلااقل دورازانصاف است. مردم ایران آگاهندوبی دانندکه هرکاری چقدروقت می خواهد. برخلاف آنچه آقای مهندس بازرگان باصرارواسرام بیان می کنند، ماهرگزنشنیده ایم که درجایی مردم ایران شفاهاودرخواستی مطرح کرده وانجام آن را "به طرفة العین" خواسته باشند، که انجام آن مستلزم فرصت است. مردم می دانندکه ریشه کن کردن آثاررژیم سابق وساختمان ایرانی آبادوآزادوقت می خواهد. به طریق اولی سازمان ها واحزاب مسئول دقیقا می دانندچه کاری درچه مدت زمانی شدنی است. ازجمله داستان درسی حزب "توده" ایران بارها به این مطلب اشاره شده وازجمله در گزارش هیئت اجرائیه حزب ما به پلنوم کمیته مرکزی آمده است که:

"باید ازطرح شعارهایی که درمرحله کنونی تکامل جامعه ایران غیرواقعی صحتند مطلقا خودداری کنیم وبابرنیروهای انقلابی نیز ازطرح اینگونه شعارها برحذرداریم".

دولت موقت انقلابی یادولت مشروطه

اگرخواست های مردم رااز هرگوشه کشورکه آمده باشندبادقت وصمیمیت بررسی کنیم به ندرت ممکن است به تقاضایی برخوریم که غیرانقلابی وحاصل ناشکیبایی باشد. بدون تردیدخودآقای مهندس بازرگان نیزنمونه ای درخت نداردوگوشه درپیام خودآن راذکرمی کرد.

پس مسئله برسرچیست؟ مسئله برسرقضاوت نظری است که دربان آقای مهندس بازرگان وخودمردم ایران برسردرک ماهیت ووظایف دولت موقت انقلابی وجوددارد.

آقای مهندس بازرگان نه فقط وظایف دولت موقت رابه دستاویزدولت بودن بسیارمحدود می گیرد، بلکه باکمال تاسف دولت خودرا اصولا دولت انقلابی نمی داندومعلوم نیست روی چه اصلی مدعی است که دولت موقت او "همان نظام مشروطه است منهای سلطنت" ودولت انقلابی او "حق ندارد ازقوانینی که تصویب نشده استفاده کند" ولذا دولت او "دارددرهمان نظام سابق" و "قوانین موجود" عمل می کند.

اما مردم انقلاب کرده اند: یک رژیم استبدادی خدملی راسرنگون کرده ودولت موقت انقلابی روی کارآورده اندوبه حق منتظرندکه این دولت انقلابی باخودنه مشروطه منهای سلطنت. مردم می خواهند این دولت قوانین ارتجاعی وخلاف مصالح مردم را که پایه رژیم سابق بوده برانداز دنه اینکه بسر مبنای آن عمل کند.

اگرقوانین سابق مصوب باشدکه جای آقای بازرگان درنخست وزیری نیست. تکیه برقوانین موجودوکوشش به اصلاح نسبی وتدریجی برمی ازجوانب بسیارمنفی حکومت کارانقلاب نیست، کاررفرم از بالاست. درایران انقلاب شده: مردم چندسال درتب وتاب بوده اند. وبکمال اخیراد رتلاش وتبرد داشم روباروی بارژیم سابق گذرانده اندوسرانجام آن راسرنگون کرده اند. این مردم حکومت انقلابی میخواهند، نه "مشروطه" طبق قوانین موجود."

نه انقلاب ایران نخستین انقلاب دنیاست ونه دولت موقت آقای بازرگان نخستین دولت ازاین نوع. همه دولت های موقت انقلابی که براثر پیروزی انقلاب برسرکارمی آیندنه تنها حق دارند. بلکه موظفند که قوانین رژیم سرنگون شده رازیروروکنند. دولت موقت انقلابی، وقتی محصول واقعی انقلاب باشد، هرحرفش قانون وهرحکمش پاساست. دولت موقت انقلابی حق دارد وموظف است که مظلم هایی راکه دررژیم سابق برمردم رفته دریک طرفة العین وبامدوریک حکم ازمیان بردارد وبابهترودقیق ترپیگوئیم رمینه "عینی محو آن ها راخواهم آورد.

مام انقلابیون بزرگ فرانسه به این دلیل درتاریخ ثبت نشده است که طبق قوانین موجود عمل کرده اند، بلکه به این دلیل که باهرحکم صدقانون وفرمان دوران استبداد راشکسته اند.

ماامروزدرجریان انقلابیم. دولت موقت انقلابی اگربخواهد به آسانی می تواندتصمیمات بسیارمهم وقاطع وتاریخی بگیردوباتاشیدهذاله

دنباله درصفحه ۲

آخرین شمارهٔ «نوید»

درودماآبین بارباپدرودهمراه است. بااینشمار هفتادوسومین شماره، هفتمنامه نویدبه دوران مبارزه ۲۴ ساله خودپایان می دهدوباران وهمرزمان "نوید" به فرصت جدیدتلاش و پیکارمی پیوندند. انتشارنخستین شماره "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران ـ درشرایط فعالیت علنی تمام احزاب و سازمان های سیاسی که به یمن انقلاب مردم بلحظورمیهن ما به بارآمد ـ لزوم حضور "نوید" را به صورت سابق که متناسب باضرورت های مبارزه زیرزمینی بود، ازمیان برداشت. "نوید" که طنینی ازصدای مردم زیرپوغ وتسلیم نابودبرما و تنها نشریه منظم سیاسی داخل کشوردرسخت ترین شرایط تروروا ختناق وسانسوربود، اینک به صورت شاخه ای به درخت دیرپینه مادرخویش "تامه مردم" جوش می خورد، چراکه خودازآغاز ریشه ای سرسبز افراشته ازانبوه ریشه های این درخت تناورببود.

امیدکه هرگزدرمیهن ماآنچنان شرایطی تکرار نشود که ضرورت انتشار "نوید" و "نوید"های زیرزمینی راایجاب کند. گرچه ماآرزومندیم که "نوید"، این همسنگرانمان شکنجه وشیربازان وتحریم حقیقت وآزادی، باچهره ای تازه به صورت یک نشریه آزادوبازه مجال سخن گفتن بیا شمارابیابدواین وقفه ای که درانتشارآن می افتد دیری نپاید. به جاست که ازاین فرصت برای تهنیت گفتن صمیمانه ورفیقانه به مناسبت انتشاردوره جدید "مردم" درشرایطعلنی استفاده کنیم ـ بااین ایمان که "مردم" درراه مردم و آرمان های والای طوکه ازسرچشمه ناقدترین جهان بینی علمی عصرما سیراب می شود، دوفیق روزافزون یابد.

میلیون ها ایرانی روبروشده، افکارعمومی مردم شریف و قهرمان ایران راهم به سوی خودجلب کند. انقلاب این حق رابه دولت می دهد، مردم این حق رابه دولت می دهند، سازمان های انقلابی نیز منتظرو نگرانند. اما دولت آقای بازرگان پس از این همه تلاش وزحمت که مردم کشیده اندخودرا به میل خویش مشروطه کرده است.

سرکوب ضدانقلاب یادرپناه گرفتن آن

دوبرخوردبه حقوق وظایف دولت موقت انقلابی هم درکارسرکوب ضدانقلاب وهم درکارسوءاستفاده ازمسئله به چشم می خورد. مردم خواستارسرکوب قاطع بقایای رژیم سابقندو آقای مهندی بازرگان مخالف آن.

درپیام روزچهارشنبه، آقای بازرگان اعدام عمال جنایتکارژرژیم سابق را "بی آبروییبرای ما دردنیا" نامید. چرا؟ ظاهرا به این دلیل که محاکمات انقلابی علنی نیست و مجامع بین المللی و "سفرای کبار" ـ که آقای بازرگان نام آنها را نبرد ـ به دولت اعتراض کرده اند.

قبل ازهرچیز بایادآوری کنیم که ماهم به نوبه خویش درسته بودن محاکم انقلابی راتائیدنمی کنیم دادگاه های انقلابی بایدعلنی باشد. جنایتکاران رژیم شاه سابق بایددرجلوچشم مردم وباحضور قربانیان وخانواده های آنها محاکمه شوندوبرباره جنایات هریک توضیحات کافی به مردم داده شود. بایددادگاه آنان رابه عرصه ای برای نبردطبقه بقایای رژیم شاه، علیه سازمان های جاسوسی امریالیستی و صهیونیستی بدل کردوافکارعمومی مردم جهان رازجنایات آنان باخبرنمود.

به علاوه دموکراتیسم پیگیرایجاب می کندکه حتی درحق بدترین دشمنان نیزجانب عدل حفظ شود.

اگرانتقادنخست وزیرواقعا این بودکه چرا دادگاه ها علنی نیست، به طریق اولی اگرانتقاد نخست وزیر دولت موقت این بودکه چراکمیته های انقلاب باقاطعیت بازهم بیشتری کارنمی کنند، بما اوهمدامی شدیم، ولی متاسفانه چنین نیست آقای مهندس بازرگان باوجوداینکه رودربایستی راکنار گذاشت وازکمیته هاودادگاه های انقلابی انتقاد کرد، به هیچ وجه به جوانب ضعیف آنها کارنداشت. برعکس ازاین کمیته هاودادگاه هارابه مناسبت کارهای مثبتی که می کنند، ونه کارهایی که نمی کنند، موردانتقادقرارداد.

چنین برخوردی، ولوظاهرا راسته ای همداشته باشد، نمی تواندموردتائیدکسانی باشدکه واقعا خواستارسرکوبدن ریشه های رژیم سابق وبرکندن پیوند های آن باسازمان های جاسوسی آمریکاواسرائیلند.

روشن توضیح کنیم: بابقایای دستگاه مقیم جنایت وخیانت پهلوی مدارامی شودواین بسیار خطرناک است. امضای ساواک ۵۰هزارنفری معرفی نشده اندوهیچ کس نمی داندکه همسایه اش ویاهمکار اداریش که امروزبرای انقلابیک میدردسازاکی هست یاشه. آنچه مسلم است ساواک وجودداردوفعال است. آنچه قابل انکارنیست اینست که وقتی حزب توده ایران واقعیت تجدیدسازمان ساواک رابکمک

www.iran-archive.com

مسائل انقلاب ایران

سیا افشاء می کند. سخنگوی دولت نمی‌تواند آن را تکذیب کند و می گوید: "این خبر را من نه تائید می کنم و نه تکذیب!!" و بعد معلوم می شود که دولت از وجود یا نزدیک گروه ساواکی خبر دارد و پشت سر آنها کاشف به عمل می آید که ساواکی ها در گسسته های انقلاب و در میان پاسداران رسوخ کرده، کارت حقلی و یا واقعی پاسدار انقلاب گرفته اند و بنا به قولی فرمان های حقی به کار می زنند تا جایی که گویا دفتر رمز ساواک و آنا می کسانی را که با آنها همکاری کرده اند از دسترس بیرون برده اند.

آقای مهندس بازرگان شما می‌دانید ـ و نمی‌توانید ندانید ـ که مسئله به هیچ وجه در اینجا به پایان نمی‌رسد و به قول خودشما "هنوز سرگنده زیر لحاف است".

در چنین وضعی، چرا با ندعای آقای مشرکسیر "معنوی" برای شما زمدای مردمی که از وحشت بازگشت رژیم ساواکی، تکرار فاجعه ۲۸ مرداد ایران و سپهبد مرشلی سرخودمی لرزند، خوشایندتر و قابل قبول تر باشد؟

مقامات مطلع و مسئولی اعلام می کنند که هنوز ۴۰۰ زندانی سیاسی رژیم شاه مفقودالاثرند. در روزنامه‌ها از قول "افراد مطلع ساواک" اعلام میشود که صدها حسد را به درجه حوضلطان انداخته اند و بسیاری از جوانان شکنجه دیده را در بهشت زهرا چال کرده و مخفیانشان را گم و گورکرده اند. هرشب عکس چندجوان در روزنامه ها و تلویزیون منتشر می شود که "به خانه بازگشته" اند و ما در انشان چشم به راه آن ها هستند. آیا در مقابل این چشم براهان احساس مسئولیت نمی کنید؟

سخن بر سر انتقام شخصی نیست. سخن بر سر جنایتی است که به جنبش انسانی شده و سخن بر سر سازمان متشکل کانکسترهایی است که به دستور اجانب بزرگترین جنایات را علیه جامعه ما مرتکب شده است. این جنایت ها را هرگز نمی توان و نباید بخشید. این ها مسئول مرور زمان هم نمی شود. دادگاه نورنبرگ را به یاد آورید. سرنوشت آیشمن ها را طولی نخواهد کشید، خواهد دید که همه انسان های شریف دنیا، همه کسانی که به شخصیت انسان ارج می نهند، از این محاکمه ها حمایت خواهند کرد. آیشمن ها و گورسنگ ها را محکوم ساختند. امروز هم اگر ما در نبرد علیه ساواک و بقایای رژیم سابق قاطع باشیم، اگر حمایت عظیم و خیانت های سازمان دهنده آنها را بر ملا کنیم، افکار عمومی جهان از ما حمایت کرده و از ریشه کن کردن کامل رژیم سابق و مجازات قاطع عمال آن استقبال خواهند کرد. آنهایی که از اعدام جنایتکاران سرموداه انداخته اند، از پایان دهکاران را بیم دارند، به جای شنیدن نصیحت شان به بدبینه افشا کردنشان بکوشید.

آقای مهندس بازرگان! اجازه بدهید صریح باشیم. در اعلامیه که میان شما و کمیته ها و دادگاه های انقلابی وجود دارد و ما آنها را پیش از شما محق می دانیم، با وجود انتقادات جدی که به کارشان وارد است، آنها بیش از دولت شما در جهت ریشه کن کردن رژیم سابق می کوشند.

قدرت دوگانه ـ شکل و محتوی

یکی از نکات های بسیار جدی آقای مهندس بازرگان متوجه آیت الله خمینی و شیوه رهبری او بودکه از لای سردولت تصمیماتی گرفته و ابلاغ می کند و به قول مهندس بازرگان "دست دولت را توی پوست گردو می‌گذارد". پیشنهاد نخست وزیر در این مورد این است که:

"خدا عمر و عزت و توفیق "آقا" را زیاد کند. شما هم که ما را کلافه کردید. شما هم مثل سایر مردم. اقلا فرمایشاتتان را، امرتان را به ما بفرمائید تا من بگویم چه باید کرد."

نخست وزیر نمونه هایی از دستورات امام خمینی ذکر می‌کند که به قول او سنجیده نبوده و دشواری ایجاد کرده است.

از نظر شکل کارکمترین ایرادی به مهندس بازرگان نیست. طبیعی است که با بدهمه پیشنهاد قادر مراجع مالحه بررسی شده و روی آن تصمیم گرفته شود که قابل اجرا و سودمند باشد. قطعا باید در تدوین قانون اساسی همه این گونه مسائل را مطرح کرده و راه حل درست آن را یافت.

ولی در این مورد هم مسافه در محتوی و نه در شکل، حق به جانب آیت الله خمینی است و نه مهندس بازرگان. آیت الله خمینی رهبر انقلابی است که اکثریت قاطع شرکت کنندگان از زحمتکشان اند. این مردم زحمتکش با هدف های معینی به میدان آمده اند و از انقلاب انتظار معینی دارند. آنها انقلاب را جدی گرفته اند. برای آنها انقلاب نبرد طبقاتی است. در جریان انقلاب به آنها وعده های فراوان داده شد و از مساوات و عدل اسلامی، از برابری سیدقریشی و سیاه حبشی حدیث گفته شد. حالا که انقلاب پیروز شده ـ اگر سرپرز شده ـ نمی توان به آسانی این وعده ها را فراموش کرد. توده مردم اقدامات جدی اجتماعی ـ اقتصادی به سود خویش طلب می کنند. و آیت الله خمینی خواسته است به این خواست مردم به نوعی جواب داده باشد. حرف نخست وزیر دولت موقت انقلابی علیه اقدام آیت الله خمینی زمانی می تواند منطقی باشد که نه فقط از نظر شکل بلکه به ویژه در محتوی درست باشد. مهندس بازرگان وقتی می‌تواند مدعی شود که بخشهایی مردم ناشده، در همان جهت مطالبات توده مردم دست به اقدامی سنجیده تر و مؤثرتر از امام خمینی بزنند. حالا که عده‌ای می روند و "پشت گوش امام می خوانند" که چنین است و چنان است و امام را وادار می کنند دستوراتی بدهد که همه جوانبش سنجیده نشده، و طفه دولت انقلابی است که پیشقدم شود، خودش تصمیمات قاطع سنجیده بگیرد و به وعده هایی که در جریان انقلاب داده شده جامه عمل بپوشاند. در این صورت وفقط در این صورت است که می توان کار انقلاب را پیش برد.

پیام مهندس بازرگان برای نشان دادن زاویه دید طبقاتی می توان گفت که نمونه و راست. در این پیام لحن گفتار نسبت به کارگران، کارمندان و سرباز ان با لحن گفتار نسبت به سرمایه داران تفاوت آشکار دارد. انسان هر وقت از کارگران و زحمتکشان یاد می کنند نیاز خود آگاه خشمگین می شوند و حملات شدید می آورند، مثلا می گویند:

"کسانی که به راستی و یا به ادعا گفته داده و زحمت کشیدند، محرومیت ها و گرفتاری ها را تحمل کردند. ادعا دارند که صاحبخانه باشند، همه کاره باشند، درهمه جا سهیم باشند و..."

در جای دیگر:

"کارگرانی که دستمزد نگرفتند و یا کم گرفتند حالا راه افتاده اند و می خواهند فوری هم می خواهند، پول می خواهند، خیلی هم می خواهند، فوری هم می خواهند. پاداش عیدهم می خواهند، سهم سودهم می خواهند ... می گویند سهم ما نباید گوشه اش هم کم بشود."

و اما درباره سرمایه داران اینان معتقدند که:

"کارفرماهایی که مانده اند مثل شما هاها (کارگران) هستند. اینها از کجا بدهند. آن بازاری که چند مغازه اش تعطیل بود یا مغازه دارانی که در شهرستان ها مغازه شان آتش زدند، غارت کردند، خانه شان را خراب کردند... ما از آنها خجالت می کشیم. وقرار است صورت بدهند که دولت به آنها کمک کند و جبران خسارت را بکند."

در چندجای دیگر نیز آقای بازرگان با محبت اضافی نسبت به سرمایه داران و بی میلی نسبت به کارگران و زحمتکشان سخن می‌گوید و سهم سرمایه داران را در انقلاب برجسته می کند (اگرچه به گفته آیت الله خمینی یک تاجر در میان شهدا نیست).

باری. اصل مطلب اینجا نیست. جنبش مردم ایران جنبش وسیع ضدامپریالیستی و دموکراتیک بود و در آن همه قشرهای ملی از جمله سرمایه داران و به طور اولی پیشه وران و اصناف شرکت کرده اند و سهمی در انقلاب دارند و باید که خسارتشان جبران شود.

اما پرسش اینجاست که وقتی می توان این خسارت را از بودجه دولت پرداخت، چرا دستمزد کارگران را نمی توان پرداخت؟ کارگری که دستمزدش روزانه است و چه بسا نان شبش را هم از نوا سی نسیه می‌خرد و سالانه مبالغ زیادی ربح وام می پردازد ـ که حرام است ـ وقتی چندماه دستمزد نگرفته از کجا زندگی کند؟ چگونه صبر کند؟ چطوری شود که او را خوار کرده چرا؟ می خواهد فوری هم می خواهد و خیلی هم می خواهد؟

در مورد پاداش و سهم کارگر از سود ویژه نیز قطعا خود آقای مهندس بازرگان بهتر از ما می دانند که این اقلام جزء دستمزد کارگر است و به چیزی اضافه بر آن. رژیم طاغوتی شاه به قصد رباکاری و به قصد استثمار هرچه شدیدتر کارگران، دستمزد آنها را به چند قلم تقسیم کرد و اسم یک قلم از آن را سود ویژه گذاشت که کمترین رابطه ای با سود ویژه کارخانه ندارد. جزیی است از دستمزد. کارگری که این جزء را نگیرد نمی‌تواند زندگی کند. پول ندارد کرایه کمرشکن مکن بپردازد و صاحب خانه "فوری می‌خواهد، خیلی هم می خواهد."

به گمان ما، نخست وزیر موقت همان طور که صورت خواسته اند تا خسارات آقایان سرمایه داران و اصناف را بپردازند ـ که کار بسیار بجایی هم کرده اند ـ موظف بودند که دستور دهند فوری هم از کارگرانی که دستمزد نگرفته اند و زن و بچه شان گرسنه و اسیر بیکاری اند از پول مفت هستند، تهیه کنند تا دستمزد آنها نیز فوراً پرداخت شود. این دین اولی تر است.

ساختمان دولت آینده

در پیام نخست وزیر چندین مسئله بسیار مهم درباره ساختمان دولت آینده و نظر مردم درباره آن وجود داشت که با بدبه جای خود و با تفصیل بیشتری بررسی شود. ما در اینجا به اختصار بادی از آنها می کنیم. این مسائل عبارتند از: دخالت با عدم دخالت کارمندان و کارگران در انتخاب مدیریت خود مختاری خلق ها، ارتش.

دخالت کارگران و کارمندان در انتخاب مدیریت و اداره موسسات

نخست وزیر دولت موقت از این موضوع بسیار خشمگین است که:

"کسانی که مدیریت دارند زیردستی ها را هشان نمی دهند کار بکنند. ما از خارج می فرستیم. آنها هم مشکلات فراوان است. می خواهند صاحب خانه باشند، همه کاره باشند. تکلیف مدیریت کارخانه و همه چیز را معین کنند و با رئیس اداره را آنها انتخاب کنند و امثالهم."

آقای مهندس بازرگان در این پیام سیر مانند سخنرانی ها و مصاحبه های قبلی شان انتخاب مدیر یا رئیس را توسط کارگران و کارمندان اصولا غیر مقدور می دانند. اینان در گذشته بارها گفته اند که چنین چیزی در هیچجا سابقه ندارد.

در این باره لازم است توضیح دهیم که حزب توده ایران با برخی اقدامات چپ روانه، مخالفی که میخواهند از خارج برای کارگران "شورا" تشکیل دهند که وظیفه شورا هم عبارت از همان وظایف سندیکایی باشد موافق نیست. برای تشکیل شوراها به عنوان هسته های حاکمیت خلق ـ که یکی از اشکال این حاکمیت است و نه شکل منحصر به فرد آن ـ باید زمینه عینی مساعدتری فراهم آید.

اما شرکت کارگران و کارمندان در مدیریت کارخانه و انتخاب مدیریت با مسئله شوراها به عنوان ارگان حاکمیت ارتباط مستقیمی ندارد. برخلاف فرمایشات آقای بازرگان در بسیاری از انقلاب ها که شکل حاکمیت شورایی نبوده، کارگران امور اداره کارخانه ها و موسسات به دست گرفته و یا در آن شرکت کرده اند و امروز شرکت سندیکاهای کارگری در مدیریت کارخانه ها و موسسات از مسائل عادی دنیای متمدن سرمایه داری است (تا چه رسد به سوسیالیستی).

یادآوری کنیم که در الجزایر بسیاری از موسسات بزرگ صنعتی و کشاورزی متعلق به فرانسوی ها بود و وقتی آنان گذاشتند و فرار کردند، دولت انقلابی الجزایر اداره امور آنها را به خودکارگران سپرد که مدیریت انتخابی بگردند و با خودگردانی کارها را بهتر از گذشته پیش بردند. چرا ما در مورد موسساتی که با جان آنها فرار کرده و موسسه را رها کرده اند تجربه الجزایر را که اسلامی هم هست مورد استفاده قرار ندهیم؟

چرا در موسسات دولتی میان کارگران و کارمندان از یکسو و مقامات بالای دولتی از سوی دیگر تفاهم و صمیمیت و همکاری بیشتری ایجاد نکنیم و به کارگران و کارمندان اجازه ندهیم در اداره امور شرکت بیشتری داشته باشند؟ چه کسی گفته است که حتما باید مدیر از بالا تحمیل شود؟ دولت موقت که به علت دشواری گزینش مدیران، برکناری ۲۰ مدیر را از موفقیت های خودمی شمارد چرا به کارگران اجازه نمی دهد که مدیر از میان خود مهندسین و کارمندان انتخاب کنند و کار دولت را هم ـ اگر واقعا دولت انقلابی است ـ آسان تر سازند؟

خودمختاری خلق ها

نخست وزیر دولت موقت از آنچه در مناطق ملی کشور از جمله کردستان و ترکمن صحرا و غیره می گذرد نگران است و می گوید که آنها صبر نمی‌کنند، به جان هم می افتند. ما خردبدی در دشواری امر نداریم. ما می دانیم که حل ریشه ای این گونه مسائل زمان می خواهد. اما بدبرش خودمختاری، پذیرش حق ملت ها برای تعیین سرنوشت نه زمان می‌خواهد و نه رفراندوم. دولت آقای بازرگان همانطور که نظر علمای اهل تسنن را عاقلانه می دانند، و همان طور که از اقلیت هایی نظیر ارمنی و زردشتی و غیره می خواهد که نظرشان را بگویند تا در قانون اساسی جدید منظور شود می‌توانند و باید که نظر خلق های زیر ستم ایران را نیز بپذیرد و در قانون اساسی منظور کند.

مسئله ارتش

درباره ارتش بسیاری مطالب گفته شده و ما در این مسئله اساسی نظر خود را جداگانه و به تفصیل خواهیم داد. آنچه هم اکنون به طور خلاصه می‌خواهیم بگوئیم که سوء تفاهمی ایجاد نشود، اینست که نگرانی مردم، سربازان، درجه داران و افسران انقلابی درباره خطری که از جانب بقایای ارتش شاهنشاهی و بازسازی آن انقلاب ایران را تهدید می کند کاملا به جاست. ارتش باید از ریشه نوسازی شود و نه باز سازی. ارتش باید بر زروی قرارداد انقلابی بنا شود و نه وابستگان به رژیم سابق. در این مورد هم برخلاف گفته مهندس بازرگان نه تنها انتخاب فرماندهان سابقه دار بلکه در همه انقلاب های واقعی ارتش سابق منحل شده و ارتش نوین بر مبنای گزینش و از پائین ساخته شده است.

نتیجه بگیریم

نظر حزب توده ایران درباره دولت موقت با صراحت بیان شده که ما در آغاز این نوشته نیز آوردیم. حزب ما از همه اقدامات مترقی دولت موقت حمایت کرده و می کند. ما معتقدیم که چنین اقداماتی در برخی از زمینه های مهم زندگی سیاسی کشور وجود داشته و دارد و لذا تذکرات کنونی ما تنها در این چارچوب قابل درک و بررسی است. ما اعلام می کنیم که آماده ایم در کمیسیون های و استانه خواهیم طرح های انقلاب شرکت کنیم و همانطور که آقای مهندس بازرگان خواسته است صمیمانه و فارغ از زیاده و سرو مداهمکاری نمیم

نه نظر ما دولت آقای بازرگان فقط از یکسو یعنی از طرف مردم ـ تحت فشار نیست، بلکه این دولت از سوی دیگر هم تحت فشار است. نیروهایی در خارج و داخل کشور و تا بدداخل کابینه وجود دارند که می خواهند از شرمندگی دولت انقلابی بکاهند و آن را واقعا هم به مشروطه بدون سلطنت مبدل کنند. در برابر این فشار است که باید مقاومت کرد و نه تنها در برابر خواست های انقلابی مردم.

بابک به خسرو روزبه سلام می رساند
پیغام دریافت شد/ محلی/ سویه